

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

عبد اللطیف صدیقی لندری

هوای وطن

در شب ای خورشید من بیرون مرو تو بیحجاب
"شور در عالم فتد شب گر برآید آفتاب"
از غم عشق تو ای گل زار نالم تا به روز
جان و دل سوزد به عشقت شب دل همچون کباب
کرده ام از سوز هجرت در همه عمر عزیز
ناله های زار همچون ناله چنگ و رباب
در فراق آن چنان گریم که از چشمان خود
خون بیبارد اشک غم از گریه ام همچون سحاب
آن سر زلف تو دانی بر من مسکین چه کرد؟
حال زار این دلم کردست رنجور و خراب
نام هجران تو بردن منتظر این طفل اشک
بر سر مژگان بود آماده پا اندر رکاب
بوی زلف تو چو آید در مشام دل مرا
در گل و گلزار سنبلی می فتد در پیچ و تاب
تابه کی در ظلمتم افکنده ای، ای جان من
رحم کن پرتو بيفشان، جلوه کن چون ماهتاب
ای لطیف اندر سرت باشد اگر یاد وطن
رو بکن سوی وطن تا باز یابی لعل ناب